



سیده زینب نورگسی خرم آباد
کارشناس آموزش ابتدایی، آموزگار پایه چهارم
پردیس، روستای باغکمش

رادیو بچه‌ها

به نام آنکه هستی نام از او یافت
فلک جنبش، زمین آرام از او یافت
سال‌هاست در حرفه‌ی مقدس معلمی
مشغول به خدمت هستم. از سال ۱۳۸۵،
یعنی درست چند ماه پس از ازدوایم، آن
وقتها که پر از نشاط جوانی بودم، به‌علت
شرایط کاری همسرم به جنوبی‌ترین
نقطه‌ی ایران در سیستان و بلوچستان کوچ
کردیم و در بندر کوچکی به نام کنارک
کارم را شروع کردم و مشغول به تدریس
شدم. چابهار گرم درس‌های زیادی به من
آموخت.

آنجا احساس می‌کردم معلمی شغلی است
که با آن بیشتر می‌توان به مردم جامعه
خدمت کرد. به همین علت همیشه در
فکر یافتن راه‌های جدیدی بودم تا بتوانم
هر روز دانش‌آموزانم را با سفیدی‌ها و
نورهای روی تخته‌سیاه آشنا کنم. کلاس را
یک شهر می‌دانستم و برای بهتر شدن این
شهر و سرزمین تلاش می‌کردم. بعد از چند
سال به تهران منتقل شدیم. در مدرسه‌های
تهران هم به آموزگاری مشغول بودم و
روز به‌روز به تجربه‌هایم اضافه می‌شد. در
این نوشتار، قصد دارم یکی از این تجربه‌ها
را با شما به اشتراک بگذارم.

طی این ارتباط نزدیک با دانش‌آموزان،
متوجه شدم وقتی من متن کتاب فارسی
یا درس‌های دیگر را برای بچه‌ها می‌خوانم،
واکنش خوبی از طرف آن‌ها دریافت می‌کنم.
بچه‌ها معمولاً به من می‌گفتند: «خانم،
چقدر زیبا می‌خوانید، آدم دلش می‌خواد
همیشه صدای شما رو گوش کنه، کاش ما
هم مثل شما می‌تونستیم زیبا بخونیم و...»



این صحبت‌ها جرقه‌ای را در ذهن من روشن کرد. و با توجه به ضعف بچه‌ها در روخوانی و روان‌خوانی متن فارسی و متون دیگر تصمیم جدیدی گرفتم.

روزی به کلاس رفتم، در حالی که رادیوی قدیمی پدرم را به کلاس برده بودم. بچه‌ها پرسیدند: «خانم، رادیو برای چیه؟» گفتم: «بچه‌ها، قرار است یه نمایش، از کلاس ما، در رادیو پخش بشه، اما باید حسابی تمرین کنیم که مبادا کلمه‌ای اشتباه تلفظ بشه.» بچه‌ها با شوق فراوان به دهانم چشم دوخته بودند. کتاب داستان را از کتابخانه‌ی کوچک کلاس انتخاب و از آن، هفت نقش، برای هفت نفر از بچه‌ها، تعریف کردم. در ابتدا، بچه‌ها خیلی ایراد و اشکال داشتند؛ اما بعد به خوبی هر کدام مطلب مربوط به خود را روان و دقیق و حتی با تغییر صدا می‌خواندند.

با همکاری مدیر و معاونان محترم، در یکی از زنگ‌های تفریح همان رادیوی قدیمی را روی میز قرار دادیم و به دانش‌آموزان گفتیم که قرار است اجرای بچه‌های کلاس چهارم خانم نرگسی امروز از رادیو پخش شود.

من به عنوان راوی داستان کنار دانش‌آموزانم بودم، در حالی که موزیک ملایمی هم پخش می‌شد. در این میان، سعی می‌کردیم بین نقش‌ها و اجرای بچه‌ها رنگ و لعاب

ویژه‌ای هم ایجاد کنیم که کار جذاب‌تر باشد. بچه‌های مدرسه را از پشت پنجره می‌دیدم که با ذوق به رادیو نگاه می‌کردند. دیگر شاهد دعوا و زمین‌خوردن‌ها و زخمی‌شدن‌ها در زنگ تفریح نبودیم. در آخر هم از بچه‌های کلاس‌های دیگر خواستم اگر دوست دارند، نقاشی این داستان را بکشند و به دفتر مدرسه تحویل بدهند. همچنین آن‌ها را به مطالعه‌ی کتاب‌های غیردرسی تشویق کردم و از آن‌ها دعوت کردم، برای شرکت در اجرای برنامه‌های بعدی رادیو، داوطلب شوند.

شاید این سؤال در ذهن شما پیش آمده باشد که چطور از رادیوی قدیمی برنامه‌ی زنده پخش می‌شد؟! در واقع رادیو به صورت نمادین پیش چشم بچه‌های مدرسه قرار داده شده بود و گروه اجرای نمایش در کلاس به ایفای نقش خود مشغول بودند.

این طرح که از نظر تان گذشت، حاصل تجربه‌ی مستقیم من از سال‌ها ارتباط نزدیک با دانش‌آموزان گوناگون است. در ادامه، به برخی مشکلات در یادگیری درس فارسی (روخوانی، روان‌خوانی، درک مطلب و...) اشاره می‌کنم. به نظر می‌رسد این مشکلات برای سایر درس‌ها نیز وجود دارند و باید معلمان عزیز در پی حل آن‌ها برآیند. برخی از این مشکلات عبارت‌اند از: ۱. ضعف در بیان واژه‌ها و کلمات هنگام

روان‌خوانی؛

۲. خجالتی بودن دانش‌آموزان در کلاس؛

۳. نداشتن درک کامل و درست از مطالب درس‌ها؛

۴. ضعف املا‌ی فارسی دانش‌آموزان در کلاس؛

۵. ضعف بچه‌ها در نگارش فارسی و نوشتن انشا؛

۶. نداشتن مهارت خوب گوش کردن؛

۷. حواس‌پرتی و نداشتن تمرکز.

خدا را شاکرم بعد از اجرای چند برنامه «صدای رادیو مدرسه»، دانش‌آموزان کلاس چهارم من به مهارت‌های خوبی دست یافتند و مدیر محترم مدرسه تصمیم گرفتند این طرح هر هفته، در یکی از زنگ‌های تفریح، اجرا شود. مهارت‌هایی که دانش‌آموزان توانستند بعد از اجرای برنامه‌های «صدای رادیو مدرسه» به دست بیاورند، به این شرح است:

۱. مهارت خوب گوش کردن؛

۲. مهارت داستان‌پردازی و تجسم ماجرا برای رسم نقاشی آن موضوع؛

۳. تقویت املا‌ی دانش‌آموزان؛

۴. برقراری ارتباط اجتماعی دانش‌آموزان خجالتی با دیگران؛

۵. مهارت روان‌خوانی درست و روان‌خوانی صحیح؛

۶. تقویت دانش‌آموزان در نوشتن انشا و پدیدآوردن متن جدید و بامعنا؛

۷. ایجاد نشاط و انگیزه فراوان در دانش‌آموزان؛

۸. ایجاد روحیه همکاری و سازگاری با دیگر دانش‌آموزان برای کارهای گروهی؛

۹. کمک به فهم بهتر دانش‌آموزان در درک مطلب؛

۱۰. استفاده از داستان‌های گوناگون با توجه به مشکلات دانش‌آموزان؛

۱۱. آموزش مهارت‌های زندگی به شیوه‌ی غیرمستقیم.

